

Government Support for Victimized and Delinquent Children in Islamic Jurisprudence and Iranian Law

Jaber Ebrahimi¹, Hamed Rostami², Mahdi Rahbar³

¹ Ph.D. student, University of Islamic Studies, Tehran, Iran (**Corresponding author**), taskhiri.ms2@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Imamiyya Law, University of Islamic Studies, Tehran, Iran. hamedrostami@mazaheb.ac.ir

³ Associate Professor, Department of Jurisprudence, Faculty of Jurisprudence and Law, International University of Islamic Studies, Tehran, Iran. m.rahbar@mazaheb.ac.ir

Abstract

The aim of this study is to examine the government's support for victimized and delinquent children in Islamic jurisprudence and Iranian law. The research method is descriptive-analytical, and it was shown that victimized children, due to their unique psychological and physical characteristics and their developmental stages, require significant support from the Islamic state, as addressed in Islamic political jurisprudence under topics such as guardianship over minors (*wilāyah al-sighār*) and the duties of the *hisbah* institution. In addition to the explicit Islamic sources mentioned in jurisprudence, the Islamic state, as long as it does not contradict the Sharia (or in other words, has the endorsement of the Sharia), can also support victimized and delinquent children in accordance with international laws and Iran's legal framework. This support, determined by the state—one of the enforcers designated by the Constitution of the Islamic Republic of Iran—is carried out through executive institutions like the State Welfare Organization of the Islamic Republic and another prominent body known as the police, which accompany and support children from the onset of victimization and delinquency to help improve the empowerment process of children as effectively as possible. The Welfare Organization, an executive and well-recognized institution under the supervision of the government, operates within the framework of national laws to support victimized and delinquent children. The views of professors, criminologists, the Constitution, the legal act establishing the Welfare Organization, and the law concerning the support of orphans have all played significant roles in shaping policies focused on preventing and reducing delinquency and victimization. The police, another executive body, plays a substantial role in establishing national security. The police, through their interaction with victimized children and society, support them in numerous ways. They do not limit their assistance to initial investigations or the judicial process but continue to support children even after the verdict, such as by informing victims of their rights for compensation, providing protection against threats, referring victims to counseling specialists, and offering comprehensive support to victims.

Keywords: Victimized, Delinquent, State Welfare Organization, Police, Children's Rights.

Received: 2023-08-03 ; Received in revised form: 2023-09-14 ; Accepted: 2023-10-06 ; Published online: 2024-03-24

<https://doi.org/10.22034/SM.2024.552237.1867>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



حمایت دولت از کودکان بزه‌دیده و بزه‌کار در فقه اسلامی و حقوق ایران

جابر ابراهیمیان^۱، حامد رستمی^۲، مهدی رهبر^۳

^۱ دانشجوی دکتری، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). taskhiri.ms2@gmail.com

^۲ استادیار، گروه فقه و حقوق امامیه، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران. hamedrostami@mazaheb.ac.ir

^۳ دانشیار، گروه فقه، دانشکده فقه و حقوق، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران. m.rahbar@mazaheb.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی حمایت دولت از کودکان بزه‌دیده و بزه‌کار در فقه اسلامی و حقوق ایران است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نشان داده شد که کودکان بزه‌دیده به دلیل ویژگی‌های خاص روحی و جسمی که دارند و در مراحل رشد و تکامل هستند، به حمایت بسیاری از طرف دولت اسلامی چنانکه در فقه سیاسی اسلام ذیل مباحثی چون ولایت بر صغار و وظایف نهاد حسبه به آن پرداخته شده است، احتیاج دارند. دولت اسلامی علاوه بر منابع اسلامی مطرح در فقه، تا جایی که مخالف شریعت نباشد و یا به عبارتی امضای شریعت را داشته باشد، می‌تواند مطابق قوانین مطرح شده در سازمان‌های بین‌المللی و نیز مطابق قوانین ایران، به حمایت از کودکان بزه‌دیده و بزه‌کار بپردازد. این حمایت‌های تعیین‌شده توسط دولت که خود یکی از مجریان مشخص‌شده از طرف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، از طریق نهادهای اجرایی مانند سازمان بهزیستی جمهوری اسلامی و نهادهای معتبر دیگری به نام پلیس انجام می‌شود که از شروع بزه‌دیدگی و بزه‌کاری کودکان همراه و حامی آن‌ها است تا روند توانمندسازی کودکان را به نحو احسن بهبود بخشد. سازمان بهزیستی نهادی اجرایی و شناخته شده است که زیر نظر دولت جهت حمایت از کودکان بزه‌دیده و بزه‌کار در چارچوب قوانین کشور، فعالیت می‌کند. نظریات اساتید و حقوق دانان جرم‌شناخت، قانون اساسی، لایحه قانونی متشکل از سازمان بهزیستی و قانون تأمین کودکان بی‌سرپرست، نقش مؤثری در زمینه سیاست‌های متمرکز برای جلوگیری و پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی داشته‌اند. پلیس، دیگر نهاد اجرایی است که در به وجود آوردن امنیت کشور تأثیر بسیاری دارد. پلیس با رابطه و تعامل با کودکان بزه‌دیده و جامعه، در بسیاری از ابعاد از آنان حمایت می‌کند. معالوف نه‌تنها در تحقیقات اولیه و مقدماتی، در مراحل دادرسی، بلکه بعد از حکم هم کمک به کودکان بزه‌دیده را فراموش نمی‌کند، مانند آگاهی دادن حقوق بزه‌دیده جهت پرداخت غرامت، محافظت در مقابل تهدید، معرفی بزه‌دیده به متخصصان مشاوره و به طور کلی حمایت همه‌جانبه از بزه‌دیدگان.

واژه‌های کلیدی: بزه‌دیده، بزه‌کار، سازمان بهزیستی، پلیس، حقوق کودکان.

استناد به این مقاله: ابراهیمیان، جابر؛ رستمی، حامد؛ رهبر، مهدی (۱۴۰۳). حمایت دولت از کودکان بزه‌دیده و بزه‌کار در فقه اسلامی و حقوق ایران.

سیاست متعالیه، ۱۲(۱): ۱۸۳-۱۹۸. <https://doi.org/10.22034/SM.2024.552237.1867>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۲؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۶/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۴؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

کودکان سرمایه‌های اصلی انسانی برای پیشرفت و توسعه هر کشوری به‌شمار می‌آیند. اگر کودکان از رشد جسمی، روانی و اجتماعی خوبی برخوردار نباشند، نمی‌توانند بزرگسالی خوبی را تجربه کنند. جسم آنان از بزرگسالان ضعیف‌تر است، در مقابل صدمه‌ها و بیماری‌های ناشی از بزه‌دیدگی مانند کار اجباری آسیب‌پذیرترند. کودکان یکی از گروه‌های نیازمند حمایت در جامعه ایران هستند. سازمان‌های اجرایی کشور با استفاده از قوانین، حکومت و شهروندان جامعه را مکلف می‌کنند گاه به لحاظ اخلاقی، و گاه به لحاظ حقوقی، به رعایت این امر بکوشند. دین اسلام هم به‌عنوان کامل‌ترین دین، از آغاز بر لزوم رعایت حقوق کودکان تأکید داشته و دارد. در این راستا، آیات متعددی در قرآن کریم، بر رعایت حقوق کودکان، بی‌سرپرست و یتیم، توصیه و تأکید می‌نماید. کودکان بی‌سرپرست، بدسرپرست، صغار و یتیم کودکانی هستند که می‌توانند در معرض بزه قرار گیرند. بنابراین، وظیفه حکومت اسلامی است که حمایت نماید. در همین زمینه شیخ طوسی (۱۳۸۷: ج ۲، ص ۲۸۲) به غیر از علامات بلوغ، طبق آیه ۶ سوره نساء «وَ ابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»، معتقد است که پرداختن مال به صبی لازم بوده و حجر مالی را زمانی دانسته که بلوغ و رشد احراز گردد.

۲. پیشینه نظری

مؤمن (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «نهاد حکومتی حسبه در فقه مقارن و مقررات ایران»، ضمن اشاره به نهاد حسبه در گستره تمدن‌های اسلامی از دو منظر فقه سیاسی اهل سنت و فقه سیاسی شیعه، به تکلیف دولت اسلامی و فقیه جامع‌الشرایط در پرداختن به اموری که شارع مقدس مایل به زمین ماندن آنها نیست، پرداخته است.

حبیب‌زاده و مقدسی (۱۳۸۵)، در پژوهشی با عنوان «درآمدی بر حمایت کیفی از اطفال بزه‌دیده در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی»، به ابعاد تقنینی حمایت از اطفال در حقوق ایران پرداخته‌اند. در این پژوهش ارتباط و اثرپذیری حقوق ایران و اسناد بین‌المللی بررسی شده است.

نوری‌نژاد (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان «حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در حقوق کیفی ایران و سایر کشورها»، نگرش تطبیقی خود را مصروف به تمایزهای حقوق ایران و نظام‌های حقوقی خارجی کرده و از نگرش فقهی بی‌بهره است. ابعادی مانند موضوع «تأمین اجتماعی» در کانون توجه این پژوهش بوده است.

۳. چارچوب نظری

حقوق کودک یکی از شاخه‌های حقوق حمایتی به‌شمار می‌آید که برای پاسداری از کودکان در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... شکل گرفته است. حقوق حمایتی از زیرشاخه‌های حقوق بشر بوده و از این منظر، حقوق کودک قسیم حقوق دیگر اقشار آسیب‌پذیر همانند حقوق زنان، حقوق توان‌خواهان، حقوق اقلیت‌ها و نظایر اینها به‌شمار می‌آید. از آنجا که مهم‌ترین حقوقی اصلی این موضوع در حقوق بشر است و با توجه به ماهیت حق‌های بشری کودک، چارچوب نظری پژوهش حاضر را باید در تقسیم‌بندی حق‌های هوفلد^۱ در چهار دسته، حق - ادعا، حق - آزادی، حق - قدرت و حق - امتیاز گنجانند. براساس نظریه مذکور، این دسته‌ها بر یکدیگر اثر متقابل دارند. اما آنچه در این پژوهش بدان توجه شده و مبتنی بر آن سخن به میان آمده است، حق - ادعاست؛ زیرا در برابر این دسته از حقوق، تکلیف بر طرف مقابل وجود دارد (Hofeld, 1919: p. 36-39). در پژوهش حاضر نیز تکلیف دولت در بستر حقوق کودک برای پاسداری از حق‌های حمایتی مورد توجه قرار گرفته است. اگرچه برخی تأمین رفاه را منحصر در امور اقتصادی دانسته‌اند، اما در چارچوب تحلیل گفتمان، به اقتضای مباحث مرتبط با حقوق حمایتی، مسائل غیرمالی یا مرتبط با مسائل مالی نیز در این نظریات مدنظر قرار می‌گیرد (بتفت و مؤمنی‌راد، ۱۳۹۴: ص ۱۸۶).

۴. کودک بزه‌دیده در نظم حقوقی کنونی

در قوانین جمهوری اسلامی ایران تعریف جامعی از کودک دیده نمی‌شود؛ زیرا مرز میان کودکی و بزرگسالی نامشخص است. در برخی مواد قانونی اتمام دوران کودکی و سن بلوغ، مشخص‌کننده و شاخصه جسمانی تعیین‌کننده است. در برخی دیگر از موارد سن رشد ملاک و شاخصه عقلی نشانگر آن است (ستوده، ۱۳۷۳: ص ۶۷). نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در تبصره (۱) ماده (۴۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، مقرر داشته است: «منظور از کودک و طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد». شرع مقدس اسلام سن بلوغ را قطعی ندانسته؛ به همین دلیل بین فقها اختلاف‌هایی وجود دارد. ولی به دلیل داشتن یک نظام حقوقی درست، می‌توان اماره‌ای برای بلوغ افراد در نظر گرفت. شارع اسلام رسیدن به سن معینی را فرض می‌کند که در آن سن قوای جسمی و طبیعی کودک به میزان کافی تکامل یافته باشد. به همین منظور او را بالغ می‌داند (گلدوزیان، ۱۳۷۳: ص ۱۲۸). همچنین قانون مدنی با پیروی از فقهای امامیه طبق تبصره (۱) ماده ۱۲۱۰ بیان داشته: «سن بلوغ در پسر ۱۵ سال قمری و در دختر ۹ سال قمری است». به عبارت

دیگر، مفهوم بلوغ از دید پزشکی به عواملی مانند جغرافیا و جنسیت شخص بستگی دارد، ولی بلوغ از نظر فقهی رسیدن مرد به احتلام و رسیدن دختر به حیض یا حمل در زن دانسته شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ص ۹۲). پس، بلوغ در اسلام همان بلوغ جنسی است. اما بزه‌دیده به کسانی گفته می‌شود که عمل بزه بر او وارد شده، و بزه‌کار کسی است که عمل بزه را مرتکب شده باشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ص ۳۹). لذا، بزه‌دیدگی و بزه‌کاری با هم ارتباط تعاملی دارند. طبق نظر بعضی از نویسندگان حقوقی، کودک از نظر اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از نظر سنی و روحی مهیای زندگی اجتماعی نباشد (عبادی، ۱۳۸۷: ص ۵۷). قانون مجازات اسلامی در این زمینه چنین تعریفی دارد: «منظور از کودک و طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد» (ماده ۴۹ قانون مجازات، مصوب ۱۳۷۰).

نظام حقوقی ایران مطابق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی که اصلاحات آن در سال ۱۳۶۱ صورت گرفت، سن بلوغ شرعی را ملاک قرار داده، یعنی دختران تا ۹ سال قمری و پسران تا ۱۵ سال قمری؛ اما قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۳۸۱ در مورد کودک آزاری، تمام افراد زیر ۱۸ سال را مورد حمایت قرار داده است (تبصره ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی و ماده (۱) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، مصوب ۱۳۸۱). کودکانی را که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از وقوع بزه و جرم متحمل خساراتی اعم از مادی و معنوی می‌شوند، کودکان بزه‌دیده گویند (Abas, 2012: p. 2-3). پیامد اینگونه دیدگاه‌ها عبارت است از: «دگرگونی نگرش‌ها در چگونگی برخورد با بزه‌کاری کودکان و نوجوانان که به پیدایی سیاست جنایی به نام سیاست جنایی افتراقی در برابر کودکان و نوجوانان انجامید» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص ۴-۵).

در حقوق کشور ایران، قانون حمایت از کودک بزه‌دیده، به فردی مربوط می‌شود که سنی پایین‌تر از ۱۸ سال دارد و جرمی علیه او به وجود آمده باشد. ولی در همین قانون، و نیز قوانین دیگر، عنصر مهمی که در بزه‌دیدگی کودکان باید مورد توجه باشد، همان ارتباط عاطفی و نزدیک مرتکب با کودک است، که در شرایط خاص نادیده گرفته شده است. براساس نظریات فقه اسلامی، کودک به معنای کوچک، فرزند است که به حد بلوغ نرسیده باشد و اطفال برای جمع کودکان به‌کار برده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ص ۵۷۹). دین اسلام سن خاصی را برای بلوغ مشخص نکرده، ولی بروز علائم خاص فیزیولوژی را به عنوان نشانه شروع بلوغ مطرح کرده است. قرآن کریم در آیات ۵۸ و ۵۹ سوره نور، احتلام را نشانه بلوغ دانسته و هیچ شرط سنی را برای بلوغ مقرر ننموده است.

در سال ۱۳۹۲ در ماده ۱۴۶ از قانون مجازات اسلامی مقرر شده است: «افراد نابالغ، مسئولیت کیفری ندارند». فردی که به سن بلوغ نرسیده و به مرحله درک هم نرسیده باشد، صغیر است؛ ولی اگر به مرحله‌ای از

رشد عقلی برسد که قادر است بد و خوب افعال را دریابد، و به مرحله‌ای از رشد و نمو قوای عقلی رسیده باشد که طبیعتاً می‌تواند تحمل شهادت نماید، او را غیرصغیر می‌نامند.^۱ در سال ۱۳۹۲ در ماده ۳۰۴ از قانون آیین دادرسی کیفری آمده است که: «به کلیه جرائم کودک و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود». تبصره (۱) ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری کودک را اینگونه تعریف می‌کند: «کودک کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است»؛ یعنی فرد زیر هجده سال که به بلوغ رسیده، نوجوان است و دارای مسئولیت کیفری، و در صورت ارتکاب جرم، به جرائمش در دادگاه به‌عنوان کودک و نوجوان رسیدگی خواهد شد.

در ماده (۱) قانون حمایت از کودک و نوجوان مقرر شده که: «کلیه اشخاصی که به سن هجده سال تمام شمسی نرسیده‌اند، از حمایت‌های قانونی مذکور در این قانون بهره‌مند می‌گردند»؛ یعنی در مورد کودک بزهکار، از حیث مسئولیت کیفری و در خصوص کودک بزه‌دیده از حیث عدم توان حفاظت از خود و لزوم حمایت‌های خاص، یکسان نمی‌باشد. بدین ترتیب در زمینه کودک و کودکان بزهکار، قانونگذار اسلامی دختر بالای ۹ سال قمری و پسر بالای پانزده سال قمری را دارای مسئولیت کیفری شناخته و پایین‌تر از سنین فوق را کودک (طفل) محسوب می‌کند (پویاسیرت، ۱۳۹۶: ج ۹، ص ۲۶). به همین منظور قانون مدنی هم در ماده ۱۰۲۷ مقرر نموده که کودک محجور، از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۲۰۳).

۵. حمایت دولت از بزه‌دیده

یکی از حمایت‌های دولت، حمایت از کودکان بزه‌دیده است که در نظام حقوق کشور ایران جایگاه ویژه و خاصی ندارد، ولی دارای پشتوانه محکم و خوبی از نظر فقهی است که در قانون اساسی با نام جلوگیری از خسارت، به آن پرداخته شده است. حمایت دولتی در زمینه فقهی برای جبران خسارت بزه‌دیده متشکل از ظرفیت‌های مهم و بالقوه‌ای از اصول و همچنین قواعد عقلی محکمی است که قابلیت تأسیس نظام، جهت جبران خسارت بزه‌دیدگان را دارد؛ قواعدی مانند: «لایبطل دم امرء مسلم»، «لایبطل حق امرء مسلم»، «من له الغنم فعلیه الغرم»، «لاضرر» و «لاخرج» که بررسی برای جبران این نوع خسارت، توسط دولت صورت می‌گیرد. هم‌زمان با گسترش حقوق بین‌الملل، از اواخر قرن نوزدهم، حمایت از کودکان وارد مرحله جدیدی شده و بیشترین تغییر و تحول آن در قرن بیستم نمایان گردید که به مرحله اوج و تعیین‌کننده‌ای در زمینه

۱. ماده ۱۷۹ قانون مجازات اسلامی.

حمایت از کودکان رسید. فارغ از تن دادن دولت‌های عضو سازمان‌های بین‌المللی به سندهای گوناگون حمایتی‌شان، اسناد مطرح شده نشان‌دهنده عزم راسخ جامعه جهانی برای شناسایی حقوق حداقلی جهت رشد کودکان است (Zuliah & Ablisar, 2018: p. 5).

۶. آثار مسئولیت دولت از کودکان

امام خمینی در مورد امر حسبی آورده است: «إِنَّ الْأُمُورَ الْحَسْبِيَّةَ مِثْلَ تَوَلَّى أُمُورِ الْغَيْبِ وَالْقَصْرِ وَالصَّغَارِ، وَ مِنْ لَا وَاوْرَثَ لَهُ، وَ مِنْ لَا وَصِيَّ لَهُ، وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَ إِجْرَاءِ الْقِصَاصِ وَ الْحُدُودِ وَ الدِّيَاتِ، وَ كُلِّ مَا يَقْطَعُ بَعْدَ رِضَى الشَّارِعِ بِتَرْكِهِ وَ تَعْطِيلِهِ، مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَى التَّصَدِّيِّ وَ التَّكْفُلِ بِأَمْرِهِ وَ يَقْطَعُ مِنْ مَذَاقِ الشَّارِعِ بَعْدَ رِضَا بَتَرْكِهِ وَ تَعْطِيلِهِ، لِمَا لَهُ مِنَ الْأَهْمِيَّةِ فِي نَظَرِهِ» (امام خمینی، ۱۴۰۷ق: ص ۳۱۳). یکی از وظایف حکومت اسلامی در مورد امور حسبی این است که کودکان بی سرپرست و یتیم، باید ولایت داشته باشند (فاضلی، حیدری و قیوم‌زاده خرائقی، ۱۴۰۰: ص ۲۳۳)؛ کما اینکه در روایت آمده است: «إِنَّ وِلَايَةَ الْفَقِيهِ وَ الْحَاكِمِ الشَّرْعِيِّ إِنَّمَا تَثْبِتُ مَعَ عَدَمِ وَجُودِ الْأَبِّ وَ الْوَصِيِّ، كَمَا ادَّعَى فِي الْمَفْتَاخِ الْجَمَاعِ عَلَى هَذَا التَّرْتِيبِ وَ لَا أَقْلَ مِنْ كَوْنِهِ ظَاهِرَ عِبَارَاتٍ كَثِيرٍ مِنَ الْأَصْحَابِ». مسئله ذکر شده، ظاهراً از امور اجماعی بین فقیهان می‌باشد. روایاتی مثل خبری از طرف پیامبر (ص) که فرموده است: «السلطان ولی له؛ ادله ثبوت ولایت فقیه». با توجه به مطابقت قانون کشور جمهوری اسلامی ایران با فقه اسلامی، به گفته رهبری که در ماده (۱) قانون حمایت از کودکان هم آمده، نگهداری از کودکان یتیم و بی سرپرست منجر به برقراری عدالت می‌شود. این وظیفه‌ای است که به سازمان بهزیستی محول شده است.

معمولاً کودکانی که در خانواده‌های فقیر زندگی می‌کنند، نیازمند حمایت‌های ویژه‌ای هستند، و این نیازمندی اجرای عدالت در جامعه را می‌طلبد (Adamson & et al., 2007: p. 7-8). اجرای عدالت در جامعه یکی از وظایف حکومت اسلامی است که عهده‌دار آن ولی فقیه است. از جمله موارد اجرای عدالت در حکومت اسلامی دریافت زکات است که به نیازمندان پرداخت می‌شود. نیازمندان چه کسانی هستند؟ طبیعتاً فقرای جامعه می‌باشند. در مورد همین امر قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ» (توبه: ۶۰). حمایت از کودکان بدسرپرست و بی سرپرست، یکی از آثار مهم برقراری عدالت در جامعه است. افراد نیازمندی که دارای امنیت و عدالت هستند، راحت‌تر می‌توانند رشد کنند و به افراد ثمربخش در جامعه تبدیل شوند. یکی دیگر از وظایف و مسئولیت‌های دولت و حکومت اسلامی مهیاء و برطرف کردن نیازهای آن‌ها است (آل غفور و محمدی، ۱۳۹۹: ص ۱۳۳). اجرای قانون و عدالت، باعث اعتماد جامعه به حکومت و دولت شده و کودکان احساس می‌کنند که حمایت‌گری دارند که از آن‌ها نگهداری می‌کند. در نتیجه

از دولت به علت عدالت و برابری در قانون مدنی، پیروی می‌کنند و به حکومت و نظام وفادار خواهند بود. قانونگذاران در تدوین قوانین مربوط به کودکان، توجه خاصی داشته‌اند. بر همین اساس ماده (۱) قانون حمایت از کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست تأکید کرده است که جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی کودکان، پیشگیری و پرهیز از اعمال خشونت روحی و جسمی ضروری است. به همین دلیل جهت جلوگیری از تخریب شخصیت کودکان طبق بند (۱) از ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای طرف کمیسیون متعهد شده‌اند که: «اقدام‌های قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر همه شکل‌های خشونت جسمی و روحی، آسیب‌رسانی و سوءاستفاده به عمل آورند» (کاتوزیان، ۱۳۶۹: ص ۱۲۷). کودکان دوست دارند در محیط و خانواده‌ای رشد کنند که فرصت‌های درست و مناسب از آن‌ها سلب نگردد (Perry & et al., 2001: p.1). طرد شدن کودکان از خانواده، می‌تواند بدترین باورشان باشد که بر اثر آن اعتماد به نفس‌شان پایین می‌آید و احساس ناامنی می‌کنند و حتی این باور اشتباه می‌تواند زمینه‌ساز هرگونه اختلال عاطفی و روانی باشد. بنابراین، دولت‌ها باید سلامت کودک را تضمین کرده و با تأمین نیازهای مادی و معنوی، از پیامدهای جسمی و روانی آنان پیشگیری کنند.

۷. سازوکار حمایتی عام و خاص

با توجه به مقررات بین‌المللی، دو نوع سازوکار حمایتی عام و خاص وجود دارد.

۷-۱. بزه‌دیدگی عام

بزه‌دیدگی به معنای عام نمی‌تواند مختص و مخصوص کودکان باشد، بلکه بزرگسالان هم قربانی این نوع جرائم هستند؛ جرائم عمدی و غیرعمدی مانند ضرب و جرح، سرقت و قتل (Morgan & Oudekerk, 2019: p.10-12). اما بزه‌دیدگی از نظر خاص مربوط و مخصوص به کودکان است؛ به دلیل اینکه دارای ویژگی‌های خاص جسمی و روحی هستند و در مراحل از تکامل می‌باشند که نیازمند حمایت هستند. لذا، قانونگذار گونه‌ای از رفتارها را که رشد جسمانی، روانی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی کودکان را به مخاطره می‌اندازد- مانند کودک‌آزاری که از طرف سرپرستان قانونی یا افرادی رخ می‌دهد که مسئولیت نگهداری کودکان به آن‌ها سپرده شده- جرم‌انگاری نموده و کودکان را در این موارد مورد حمایت‌های ویژه قرار می‌دهد. پدیده‌های مجرمانه از طریق دولت و مراجع دولتی پیگیری می‌شود. پدیده مجرمانه به مفهوم عام توسط پلیس، و مجرم و بزه‌دیده توسط یکی دیگر از نهادهای دولتی با عنوان سازمان بهزیستی، بررسی می‌شود. بهزیستی یک نهاد رفاهی اجتماعی است که از بزه‌دیده حمایت می‌کند. بهزیستی چون یک سازمان و نهاد

دولتی با عملکرد رفاهی اجتماعی است، به حمایت ویژه و خاص از افراد بزه‌دیده از جمله کودکان بزه‌دیده می‌پردازد و این نهادها می‌توانند با هم در این نوع حمایت‌ها همکاری کنند. در زمینه حمایت عام، دولت‌ها مکلف به حمایت شده‌اند. یعنی تمام اشخاص باید از نظر حقوق به طور مساوی در مقابل تمام دادگاه‌ها تضمین شده باشند و در زمان دستگیری، دلایل بازداشت به آگاهی و اطلاع آنها برسد، و اینکه چه اتهامی برای فرد وجود دارد، تفهیم شود (بند ۲ از ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی). همچنین افرادی که به دلیل جرم بازداشت شده‌اند، باید در مقابل قاضی آورده و زمان محاکمه یا آزادی آنها مشخص و تعیین گردد. همچنین کودکانی که آزادی‌شان سلب می‌شود، با آنها باید با احترام شایسته رفتار گردد و اگر زندانی شدند، از بزرگسالان جداگانه نگهداری شوند.

۷-۲. بزه‌دیدگی خاص

همان‌طور که گفته شد، کودکان به علت داشتن ویژگی‌های خاص از نظر جسمی و روحی و اینکه نسبت به بزرگسالان در مراحل رشد و تکامل هستند، احتیاج به حمایت خاص و ویژه‌ای دارند. طبق همین امر، قانونگذار رفتارهایی را که موجب آسیب‌های روانی، عاطفی، جسمانی و اخلاقی به کودک می‌گردد و رشد اجتماعی آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد، جرم‌انگاری می‌کند. مراجع دولتی و اجتماعی باید پاسخگویی پدیده‌های مجرمانه باشند که از طریق یکی از نهادهای دولتی به نام بهزیستی که نهادی رفاهی - اجتماعی بوده، به آن پرداخته می‌شود. اما به مفهوم عام آن توسط پلیس پرداخته می‌شود. بزه‌دیده جهت حمایت به اولین نهادی که مراجعه می‌کند، پلیس است. اما سازمان دولتی دیگری به نام بهزیستی وجود دارد که با رویکرد رفاهی - اجتماعی فعالیت می‌کند، و هدف آن حمایت خاص از کودکان آسیب‌دیده یا کودکان بزه‌دیده در معرض خطر است. البته گاهی این دو نهاد اجرایی و دولتی در برخی زمینه‌ها همکاری لازم را با هم به عمل می‌آورند.

۸. حمایت دولت از کودکان بزه‌دیده توسط پلیس

هم در زمینه خسارت مربوط به جرم و هم پیشگیری از جرم، رفتار و اقدامات پلیس می‌تواند خسارات ناشی از جرم را کاهش داده و یا تشدید نماید (Finkelhor & et al., 2001: p.17-30). عملکرد صحیح پلیس، باعث امیدواری نسبت به سلامت نظام عدالت کیفری می‌شود، تا نقش پلیس در کمتر شدن آسیب‌ها از ناحیه جرم، متوجه بزه‌دیده گردد. آشنا شدن پلیس با خواسته‌های بزه‌دیدگان در مقابل نهاد اجرایی دولت، موجب می‌شود پلیس برنامه‌ها و اقدامات مناسبی جهت احقاق حق بزه‌دیده شناسایی کند. این امر به نوبه خود حمایت از کودکان بزه‌دیده محسوب می‌شود و لازم است که این نوع نیازها مورد شناسایی قرار گیرند. در

مورد همین امر سازمان ملل متحد در ماده (۴) قطعنامه‌ای را تصویب و با عنوان بزه‌دیده‌شناسی حمایتی (قطعنامه شماره ۴۰/۳۴ سازمان ملل متحد، مصوب ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵) به مجمع عمومی همین سازمان ارائه کرد. در این قطعنامه آمده است: «با بزه‌دیدگان باید با همدردی و احترام و به کرامت با آنان رفتار شود. آنها مستحق دسترسی به سازوکار قضایی و نیز جبران خسارات وارد به ایشان بر مبنای قوانین ملی هستند» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ص ۱۸۸).

کودکان بزه‌دیده فقط منتظر این نیستند که جرم‌شان مطرح گردد و یا اینکه مجرم به مجازات برسد، بلکه منتظر این هستند که نهادهای حمایتی بعد از شناسایی جرم و مجازات، آنان را مورد بی‌توجهی قرار ندهند و نهاد پلیس با کمک گرفتن از متخصصان امر، نیاز، نگرانی و دردهای آن‌ها را از طریق مشاوره از بین ببرد (Wood & Garven, 2000: p. 117-119)، تا کودکان بزه‌دیده و خانواده‌شان بدون دغدغه و نگرانی به زندگی‌شان ادامه دهند (همان: ص ۶۳). یکی دیگر از نیازها و حقوق کودکان بزه‌دیده که برآورده کردن آن برعهده نهادهای حمایتی مانند پلیس است، حفاظت از هویت و آبروی آنان و افراد نزدیک به آن‌ها است. اگر عکس این امر صورت پذیرد، احتمالاً صدمات دیگری را به بار خواهد آورد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵: ج ۱۹، ص ۱۲۷). آیین دادرسی کیفری در خصوص حفاظت از اطلاعات بزه‌دیده مقررگذاشته شده است (مواد ۴۰ و ۱۰۱ مصوب سال ۱۳۹۳). یکی دیگر از حقوق کودکان بزه‌دیده مربوط به آزار جنسی است. کودکان مؤنث بزه‌دیده هیچ‌گونه تمایلی به گفتن حقیقت در برابر پلیس مرد ندارند. پس بهترین حمایت‌ها می‌تواند دسترسی سریع کودکان بزه‌دیده به پلیس زن باشد (پلیس ۱۱۰). حضور پلیس زن در جرم‌های خانوادگی و جنسی نیز یکی دیگر از حقوق بزه‌دیده محسوب می‌شود (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۱: ص ۳۱۵).

۹. حمایت دولت از کودکان بزه‌دیده توسط بهزیستی

مهم‌ترین نهاد دولتی که توسط قوانین موظف است با رویکرد رفاهی و اجتماعی به آسیب‌دیدگی کودکان پردازد، بهزیستی می‌باشد. بنابراین، بهزیستی دنباله‌رو دو سیاست مربوط به کودکان است که یکی از به وجود آمدن و شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی جلوگیری می‌نماید و دیگری سیاستی است که بعد از به وجود آمدن آسیب‌های اجتماعی، به جلوگیری و درمان آن می‌پردازد؛ یعنی حمایت از بزه‌دیدگان بالفعل و بزه‌دیدگان بالقوه را جزء سیاست‌های خود قرار داده است.

۹-۱. حمایت از بزه‌دیدگان بالفعل

کودک بزه‌دیده از نظر عام عبارت است از: «هر فردی که زیر ۱۸ سال دارد و بر اثر فتاری غیرعمدی و یا

عمدی که در قوانین جرم محسوب می‌شود، درگیر و متحمل آسیب‌های گوناگونی شود» (عباجی، ۱۳۸۸: ص ۳۹۸). در کشور ایران برای اولین بار عبارت کودک آزاری در سال ۱۳۸۱ در قانون حمایت از کودکان مطرح و طبق ماده (۴) مقرر شد: «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع بوده و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد». اقدامات تربیتی در چارچوب ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰/۹/۷ و ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۹ از شمول این قانون مستثنی است. این ماده نقص قوانین در زمینه مشکلات کودک آزاری را نشان می‌دهد.

در بند «ت» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نیز معیار درست و مشخصی برای تعیین حدود اقدامات تأمینی و تربیت والدین وجود ندارد: «موارد ذکر شده قابل مجازات نیست: ... اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد». ماده ۱۱۷۹ قانون مدنی نیز در مورد ضرورت حدود شرعی و متعارف تأدیب آورده است: «ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند؛ ولی به استناد این حق نمی‌توانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب، تنبیه نمایند». لذا، در برخی از اسناد بین‌المللی «نامه شماره ۱۳۸، مصوب سال ۱۹۷۳م؛ و نیز نامه شماره ۱۸۲، سال ۱۹۹۹م سازمان بین‌المللی کار» به‌طور خیلی دقیق و جزئی به جنبه‌های مختلف کار کودکان بزه‌دیده اشاره می‌کند. ماده‌ای در عهدنامه حقوق مدنی سیاسی نیز در تاریخ شانزدهم دسامبر سال ۱۹۶۶ بیان می‌دارد که: «هیچ شخصی را نباید اجبار نمود که به کار تحمیلی مشغول گردد».

۹-۲. حمایت از بزه‌دیدگان بالقوه

کودکان به علت بی‌توجهی و بهره‌کشی بسیار آسیب‌پذیر می‌باشند و به‌آسانی از بزه‌دیدگان بالقوه به بالفعل تبدیل می‌شوند. برخی از آن‌ها در موارد خاص، با داشتن والدینی بدون مسئولیت، فساد اخلاقی، معتاد و غیره در خطرات شدیدتری قرار دارند و محتاج حمایت هستند. لذا، ضرورت دارد حمایت دولتی و غیردولتی جهت جلوگیری و پیشگیری از بزه‌دیدگی از آن‌ها صورت پذیرد. سازمان بهزیستی یکی از مجریان حمایت دولتی است که کودکان آسیب‌دیده یا در معرض بزه‌دیدگی را- مانند کودکان خیابانی، بی‌سرپرست و بدسرپرست- از نظر اجتماعی و جرم‌شناسی در قالب حمایتی مخصوص، زیر سایه خود قرار می‌دهد. مطابق قانون، دولت به‌منظور حمایت از کودکان خیابانی مکلف گردیده راهی پیدا نماید تا بتواند از بزه‌کاری کودکان جلوگیری کند. یکی جلوگیری از رفتارهای منحرفانه و دیگری اقدامات حمایتی و ترمیمی است.

طرح‌های متمرکز برای جلوگیری از ورود کودکان به خیابان، که متمرکز بر تقویت سرمایه اجتماعی و انسانی در خانواده‌هایی که فقیر هستند، باید مورد توجه قرار گیرد. دومین مرحله جمع‌آوری کودکان خیابانی و بازگرداندنشان به محیط خانواده است تا حمایتی جهت زندگی عادی و روزمره باشد. لذا، مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۵ طی نامه‌ای به شماره ۴/۱۹۶۸۶ و تاریخ ۱۳۸۷، سرپرستی و مسئولیت بازگشت کودکان خیابانی به حریم خانواده را به سازمان بهزیستی واگذار نمود، تا دولت متولی و پاسخگو باشد (نادری، ۱۳۹۱: ص ۸۹).

ماده ۲۰ کنوانسیون حقوق کودک مقرر می‌دارد: «کودکان بی‌سرپرستی که در معرض خطر و موقتاً یا دائماً از خانواده به دور هستند، سزاوار حمایت می‌باشند» (نادری، ۱۳۹۱: ص ۷۵). در مورد کودکان بدسرپرست، ذیل ماده‌ای از قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی والدین و یکی از والدین که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی، هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند: این موارد عبارتند از: اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر و قمار، اشتها به فساد اخلاقی و فحشاء، ابتلاء به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشکی قانونی، سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشاء، نکدی‌گری و قاچاق، تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف» (ماده ۱۱۷۳ حقوق مدنی).

۱۰. راهکارهای ارتقای حمایت از کودکان توسط دولت

در اولین قدم در حمایت از کودک باید بر این نکته تأکید کرد که مهم‌ترین جایگاه اجتماعی برای حمایت و رشد کودکان، خانواده است. در اسناد مهم بین‌المللی و منطقه‌ای، مانند ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۰ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و مقدمه و بند (۱) ماده (۲) و ماده (۸) و به‌ویژه بند (۲) آن از میثاق حقوق کودک در اسلام، بر این موضوع تأکید کرده‌اند که باید تلاش کرد چنین سرپرست‌هایی را با آموزش‌های لازم، اصلاح نمود و فضای متشنج و بحرانی خانواده کودک را به حالت عادی برگرداند تا بتوان به اهداف مهم مرتبط با بقاء و رشد و تعالی کودکان در آینده دست یافت؛ چراکه خانواده بیشترین توان بالقوه را برای حمایت از کودکان و تأمین امنیت جسمی و عاطفی آنان دارد. ماده (۱) قانون حمایت از کودکان اشاره می‌کند که به منظور تأمین نیازهای مادی و معنوی کودکان فاقد سرپرست، دولت‌ها مسئولیت تأمین امنیت جانی، مالی و اجتماعی کودک را برعهده دارند و جهت اجرای طرح آتیه فرزندان و

پرداخت‌های هزینه، برابر دستورالعمل‌های سازمان بهزیستی که یکی از ارگان‌های دولتی محسوب می‌شود، مسئولیت تأمین مالی و برطرف کردن نیازهای اجتماعی کودکان، حتی بعد از پایان کودکی بر عهده دولت است. با رویکرد حفظ کرامت اطفال می‌توان قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۸۱ را اصلاح نمود تا برخی رفتارهای بزه‌دیده و بزه‌کاری را برای حمایت از کودکان، جرم تلقی کرد. همچنین سیاست کیفری به عنوان یک تدبیر پیشگیرانه، همچون ابزار مهمی برای رویارویی با بزه‌کاری است؛ ابزاری که کارایی آن را می‌توان در حوزه حمایت از حقوق کودک نیز به‌کار گرفت. تعیین کیفر شدید به‌عنوان یکی از این سازوکارها می‌تواند جهت منصرف ساختن بزه‌کاران از کج‌روی مورد استفاده قرار گیرد. در نظام کیفری ایران، حمایت کیفری از کودکان بزه‌دیده یک اصل راهبردی از قبل بوده و قانون مجازات اسلامی و برخی قوانین از نظر کیفری مورد توجه قانونگذار در جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ به دلیل اینکه سیاست قانونگذار از نظر حمایتی به‌صورت مساوی و استوار قلمداد شده، ولی تا حدودی با توجه به تصویب مواد ۷ و ۸، هدف حمایت از کودکان، مهیاء و حتی برآورده نشده است.

راهکاری که در حقوق جزای ماهوی، قانونگذار می‌تواند استفاده کند، یکی جرم‌انگاری حمایتی به دلیل آسیب‌پذیری کودکان از نظر روحی و جسمی، و دیگری کیفرانگاری حمایتی می‌باشد (مدنی و حمزه، ۱۳۹۰: ص ۲۷۰). همچنین قانونی که باید حذف گردد، قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ است که در بند «ت» از ماده ۱۵۸ مقرر نموده: «اعمال زیر جرم محسوب نمی‌شوند: اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تأدیب یا حفاظت آن‌ها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف تأدیب و محافظت باشد». در این ماده هرچند اقدامات اولیاء در تأدیب کودک را در شرایط حد متعارف آورده، ولی بسیار مبهم بوده و با ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک تضاد دارد. ماده ۷ قانون حمایت از کودکان مصوب سال ۱۳۸۱ نیز اعمال والدین در زمینه تأدیب کودکان را طبق ماده ۱۵۸ قانون مجازات جزء مصادیق کودک‌آزاری ندانسته و کودک‌آزاری را مربوط به اشخاص غریبه می‌داند. عدم مجازات قتل فرزندی که از طرف پدر و جد پدری صورت می‌پذیرد، موجب تشدید بزه‌دیدگی شده که مغایر با یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی و جرم‌شناسی است.

۱۱. نتیجه‌گیری

کودکان بزه‌دیده به دلیل ویژگی‌های خاص روحی و جسمی که دارند و در مراحل رشد و تکامل هستند، به حمایت بسیاری از طرف دولت اسلامی چنانکه در فقه سیاسی اسلام ذیل مباحثی چون ولایت بر صغار و وظایف نهاد حسبه به آن پرداخته شده است، احتیاج دارند. دولت اسلامی علاوه بر منابع اسلامی مصرح در

فقه، تا جایی که مخالف شریعت نباشد و یا به عبارتی امضای شریعت را داشته باشد، می‌تواند مطابق قوانین مطرح شده در سازمان‌های بین‌المللی و نیز مطابق قوانین ایران، به حمایت از کودکان بزه‌دیده و بزه‌کار بپردازد. این حمایت‌های تعیین شده توسط دولت که خود یکی از مجریان مشخص شده از طرف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، از طریق نهادهای اجرایی مانند سازمان بهزیستی جمهوری اسلامی و نهادهای معتبر دیگری به نام پلیس انجام می‌شود که از شروع بزه‌دیدگی و بزه‌کاری کودکان همراه و حامی آن‌ها است تا روند توانمندسازی کودکان را به نحو احسن بهبود بخشد.

سازمان بهزیستی جمهوری اسلامی ایران یکی از گسترده‌ترین سازمان‌های خدماتی و مهم‌ترین سازمان اجتماعی است که با طرح‌های متعددی، پشتوانه و حامی محکمی برای کودکان بزه‌کار است؛ کودکانی که آسیب‌هایی را در جامعه و خانواده به وجود آورده‌اند، یا در معرض خطر و آسیب بزه‌دیدگی هستند. طرح‌های حمایتی سازمان بهزیستی شامل ارائه خدمات مشاوره‌ای، اورژانس اجتماعی، مددکاری، زیر چتر خود قرار دادن کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، ساماندهی خانواده‌ها و سرپرستان کودک‌آزار، و ساماندهی کودکان خیابانی می‌شود. این نهاد، نهادهای اجرایی و شناخته شده است که زیر نظر دولت جهت حمایت از کودکان بزه‌دیده و بزه‌کار در چارچوب قوانین کشور، فعالیت می‌کند. نظریات اساتید و حقوق‌دانان جرم‌شناخت، قانون اساسی، لایحه قانونی متشکل از سازمان بهزیستی و قانون تأمین کودکان بی‌سرپرست، نقش مؤثری در زمینه سیاست‌های متمرکز برای جلوگیری و پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی داشته‌اند.

پلیس، دیگر نهاد اجرایی است که در به وجود آوردن امنیت کشور تأثیر بسیاری دارد. پلیس وظایف مهمی با ابعاد مختلفی دارد که می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین آن‌ها ارتباط سریع و صادق با کودکان بزه‌دیده است که وظیفه حمایت از کودکان بزه‌کار و بزه‌دیده را مطابق قوانین برعهده دارد، چراکه حفظ نظم و امنیت در کشور، جامعه و اجتماع، برعهده نهاد انتظامی کشور به نام پلیس گذاشته شده است. در بسیاری از موارد اولین حمایت‌گری که کودکان بزه‌دیده با آن‌ها برخورد دارند، نیروی انتظامی می‌باشد. چون پلیس نه تنها با بازداشت و دستگیری، کارش با متهم تمام نمی‌شود، بلکه با رابطه و تعامل با کودکان بزه‌دیده و جامعه، در بسیاری از ابعاد از آنان حمایت می‌کند. مع‌الوصف نه تنها در تحقیقات اولیه و مقدماتی، در مراحل دادرسی، بلکه بعد از حکم هم کمک به کودکان بزه‌دیده را فراموش نمی‌کند، مانند آگاهی دادن حقوق بزه‌دیده جهت پرداخت غرامت، محافظت در مقابل تهدید، معرفی بزه‌دیده به متخصصان مشاوره و به طور کلی حمایت همه‌جانبه از بزه‌دیدگان. کودکان بزه‌دیده و بزه‌کار امید داشته باشند که دولت و حمایت‌گرهای ذی‌ربط، براساس قوانین جمهوری اسلامی ایران، مکلف به حمایت از آن‌ها جهت پیشگیری از آسیب‌ها هستند.

منابع

قرآن کریم.

- آل سیدغفور، سید محمدتقی؛ محمدی؛ میثم (۱۳۹۹). ظرفیت‌های حقوق ملت در قانون اساسی و پیشگیری از چالش‌های سیاسی و اجتماعی ایران اسلامی. *سیاست متعالیه*، ۸(۲۹): ص ۱۲۹-۱۴۶.
- ابراهیم‌پور، حبیب‌الله (۱۳۹۱). بررسی عوامل نگرشی مؤثر در تبیین اعتماد عمومی به پلیس. *مطالعات مدیریت انتظامی*، شماره ۳. پتفت، آرین؛ مؤمنی‌راد، احمد (۱۳۹۴). سیر تحول نحوه مداخله دولت در اقتصاد از منظر حقوق عمومی، از دولت رفاه تا دولت فرانتظیمی. *پژوهش حقوق عمومی*، شماره ۴۷.
- پویاسیرت، محمدحسین (۱۳۹۶). نوآوری‌های قانون کیفری جدید در جرایم اطفال. *نوآوری‌های قانون کیفری جدید در جرایم اطفال*، ۳(۲۱).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ مقدسی، محمدباقر (۱۳۸۵). درآمدی بر حمایت کیفری از اطفال بزه‌دیده در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین‌المللی. *حقوق تطبیقی*، شماره ۱۰: ص ۵۷-۷۶.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۴۰۷ق). *تحریر الوسیله*. تهران: منشورات مکتبه اعتماد.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵). حقوق و حمایت‌های بایسته. *پژوهش حقوق عمومی*، شماره ۱۹.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰). *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*. تهران: نشر دادگستر، چاپ دوم.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱). *بزه‌دیده در فرایند کیفری*. تهران: نشر خط سوم، ج ۱.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۷۳). *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات نور.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. طهران: المکتبه المرتضویه، ج ۲.
- عباجی، مریم (۱۳۸۸). *پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر کودکان با تأکید بر نقش پلیس*. در: مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری. عبادی، شیرین (۱۳۸۷). *حقوق کودک*. تهران: نشر روشنفکران و مطالعات زنان.
- فاضلی، داود؛ فاضل، حیدری؛ عباسعلی، قیوم‌زاده؛ خراقی، محمود (۱۴۰۰). مسئولیت مدنی حکومت اسلامی در جبران خسارات منافع ممکن‌الحصول شهروندان. *سیاست متعالیه*، ۹(۳۵): ص ۲۲۹-۲۴۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹). *حقوق مدنی، ضمان قهری، مسئولیت مدنی*. تهران: دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *گامی به سوی عدالت*. تهران: دانشگاه تهران، ج ۲.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۳). *تقریرات درس حقوق جزا*. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- مومن، رقیه‌السادات (۱۳۹۲). *نهاد حسبه در فقه مقارن و مقررات ایران. تعالی حقوق*، شماره ۳.
- نادری، پگاه (۱۳۹۱). *نقش سازمان بهزیستی و عملکرد آن در پیشگیری از جرم*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۷۷). *دانشنامه جرم‌شناسی*. تهران: نشر شهید بهشتی.
- نوری‌نژاد، محمدامین (۱۴۰۲). *حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده در حقوق کیفری ایران و سایر کشورها*. تهران: نشر ماهواره.

- Abas, A.B. (2012). Child abuse in Malaysia: Legal measures for the prevention of the crime and protection of the victim. *International Journal of Social Sciences and Humanity Studies*, 4(2): p. 1-10.
- Adamson, P., Bradshaw, J., Hoelscher, P. & Richardson, D. (2007). Child poverty in Perspective: An Overview of child well-being in rich countries. *Innocenti Report Card*, 80(1): p. 133-177.
<https://doi.org/10.18356/ab51899f-en>
- Finkelhor, D., Wolak, J. & Berliner, L. (2001). Police reporting and professional help seeking for child crime victims: A review. *Child maltreatment*, 6(1): p. 17-30.
- Hohfeld, W. (1919). *Fundamental Legal Conceptions*. New Haven: Yale University Press.
- Morgan, R.E. & Oudekerk, B.A. (2019). Criminal victimization, 2018. *Bureau of Justice Statistics*.
URL= <https://bjs.ojp.gov/content/pub/pdf/cv18.pdf>
- Perry, D.G., Hodges, E.V.E. & Egan, S.K. (2001). Determinants of chronic victimization by peers: A review and new model of family influence. In: J. Juvonen & S. Graham (Eds.), *Peer harassment in school: The plight of the vulnerable and victimized* (pp. 73–104). The Guilford Press.
- Wood, J.M. & Garven, S. (2000). How sexual abuse interviews go astray: Implications for prosecutors, police, and child protection services. *Child Maltreatment*, No. 2: p. 109-118.
- Zuliah, A. & Ablisar, M. (2018). Rights to restitution for child victim of criminal act under government regulation number 43 year 2017. *E3S Web of Conferences*, Vol. 52.